

«شهید آوینی و هنر اسلامی»

به روایت آیت‌الله جوادی آملی

### هنرمندقرآنی

۲۰ فروردین ۱۳۷۲، خبر شهادت شهید سیدمرتضی آوینی، جامعه فکری و هنری را به سوگ نشاند و علمای بسیاری از جمله آیت‌الله جوادی آملی، از مراجع تقلید شیعه، درباره او پیام‌هایی صادر کردند. آیت‌الله جوادی آملی در پیام خود شهید آوینی را «هنرمند قرآنی» نامید و به ذکر ویژگی‌های هنر اسلامی و هنرمند قرآنی پرداخت. آنچه در ادامه می‌خوانید «سلوک هنری شهید آوینی و ویژگی‌های هنر اسلامی» به روایت آیت‌الله جوادی آملی است.

\*\*\*

آیت‌الله جوادی آملی، عناصر اصلی «هنر اسلامی» را در سلاله افرادی همچون شهید سعید سیدمرتضی آوینی و دیگر هنرمندان متعهد دینی متبلور می‌بیند و معتقد است که مهم‌ترین شاخص هنر اسلامی همانا توان ترسیم معقول در کسوت محسوس و قدرت تصویر غیب در جامه شهادت است.

به باور ایشان، هنرهای غیراسلامی چون جایی در جهان معقول و ملکوت ندارند و فقط از وهم و خیال متصل استمداد می‌کنند، هرگز مایه عقلی نداشته و رهاورد غیبی ندارند؛ زیرا مکتبی که ماده را اصیل می‌داند و موجود غیرمادی را خرافه می‌پندارد، هیچگاه بیامی از عالم عقل و غیب ندارد و هرگز هدفی جز وهم و خیال نخواهد داشت.

ایشان معتقد است که اوج عروج یک انسان از دیدگاه هنرمند مادی همانا منطقه بسته خیال و مدار محدود وهم است و آنجا که سخن از نام و نان و وام و دانه نباشد، هنرمند مادی را راهی نیست و آنجا که از شویق و تقدیر ثنا و سیاس و یادنامه



■ جهان را از عقل شروع کردن و به عاقل ختم نمودن محصول هنر الهی است که اسلام داعیه آن را داشته و همواره تربیت‌یافتگانی جامع همچون شهید مرتضی آوینی را ارائه کرده و می‌کند و هیچ هنری به از این نیست که انسان کامل به نوبه خود دو سر خط حلقه هستی را به هم بپیوندد و صعود و نزولی را که خود پیموده است، در قالب هنر عرضه کند تا سالکان هنردوست را به همراه هنرپروری خویش به منطقه وسیع آفرینش آگاه کند

و مانند آن اثری نباشد، هنرور مادی را باری نخواهد بود.

این در حالی است که در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی، مکتب الهی عوالم سه‌گانه طبیعت و مثال و عقل را اثبات می‌نماید و هر کدام آنها را مظهر نامی از نام‌های جلال و جمال الهی می‌داند و برای عروج انسان ملکوتی مرزی قائل نیست.

بر این اساس، ایشان معتقدند جهان را از عقل شروع کردن و به عاقل ختم نمودن محصول هنر الهی است که اسلام داعیه آن را داشته و همواره تربیت‌یافتگانی جامع همچون شهید مرتضی آوینی را ارائه کرده و می‌کند و هیچ هنری به از این نیست که انسان کامل به نوبه خود دو سر خط حلقه هستی را به هم بپیوندد و صعود و نزولی را که خود پیموده است، در قالب هنر عرضه کند تا سالکان هنردوست را به همراه هنرپروری خویش به منطقه وسیع آفرینش آگاه کند و معلوم کند که هنر در بازشناسی مجدد عالم و آدم و جهان، وسیع‌تر از منظر محدود طبیعیون عمل می‌کند.

وی تصریح می‌کند: «هنرمند قرآنی همان فرزانه جهان بینی است که هرگز به مکتب‌های الحادی اعتنایی ندارد و به رهاورد مکتب‌های مادی چشم نمی‌دوزد و عشق ممدوح هنری و محمود ادبی را با شهوات مذموم بی‌هنری اشتباه نمی‌کند و ساکنان کوی عفاف را به بدحجابی یا بی‌حجابی که نفی عفاف را به همراه دارد، دعوت نمی‌نماید و مرغ باغ ملکوت را با نغمه سرد ناسوتیان سرگرم نمی‌کند و فرهنگ برانت از طبیعت و زناهت از ماده را با آهنگ ناموزون خاکیان در نمی‌برد و سرانجام تسلیم بی‌هنر نادان نمی‌شود.»

از این رو، ایشان معتقد است که جدا کردن هنر صادق از کاذب، کار هنرمند الهی است و در این راستا می‌افزاید: «گرچه غالب هنرهای پیروان «بودا» و «برهمن» در جامه تجسیم و مجسمه‌های بی‌روح خلاصه می‌شود و نیز اکثر هنرهای حایمان مسیح و پیروان عیسی (ع) در کسوت سنگ‌تراشی و پیکره‌ای بی‌جان خاتمه می‌پذیرد، لیکن بخش مهم هنر پیروان قرآن و حامیان اعجاز کلامی آن در ترسیم، تصویر، تمثیل، تشبیه‌های سمعی و بصری و بدون تجسیم متبلور می‌شود که پیام خاصّ خود را به همراه دارد تا همگان ضمن بهره‌وری از هنر قرآن، در دریای مواج آن غوص کنند؛ بدون آنکه غرق شوند و از شنای در آن آب حیات لذت ببرند. اگر هنرمندی از رهگذر صوت حسن و نغمه غم‌زا یا تصویر و ترسیم و تمثیل روح‌پرور، پیامی به گوش منتظران ندای غیب برساند، گروهی را در دامن شرح مقدس به واجب و مستحب تربیت کرده و از حرام و مکروه رهایی بخشیده، همانا او، هنرپرور اسلامی است.»



ابعاد شخصیتی و سلوک فکری شهید مرتضی آوینی

# شهید فرهنگ‌پرداز

دکتر محمدرضا سنکری

مدیر گروه ادبیات اندیشه پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

به اعتبار آثاری که از شهید مرتضی آوینی، سید شهیدان اهل قلم، به یادگار مانده، می‌توان از او با عنوان یک اندیشه‌ورز، نظریه‌پرداز و هنرمند متعهد سخن گفت. آثار او، ترجمان و گواه شخصیت، طرز تفکر و نگاهی است که نسبت به انسان امروز و به شکل ویژه به انقلاب اسلامی و پدیده‌ای به نام دفاع مقدس دارد. وجودش کاملاً با جنگ آمیخته بود و تمام لحظه‌های آن را زیست کرده بود و همدم و همراه رزمندگان بود. عینی‌ترین و واقعی‌ترین تصاویر از دفاع مقدس را می‌توان در آثار و به‌طور مشخص در مستند «روایت فتح» او دید.

دیگر، آوینی معتقد است که طرح دین توسط ایرانیان صورت گرفته است. به این اعتبار، او ایرانیان را بزرگترین خدمتگزار دین پیامبر اکرم (ص) و فرهنگ قرآنی می‌داند. این نگرش، نگاهی روشن، پرداخت، اما ذکر سه نکته درباره ابعاد شخصیتی و سلوک فکری مرتضی آوینی ضروری است.

نخست آنکه، آوینی دوگانه زیست بود؛ یعنی

هم دوره پیش از انقلاب را دیده و درک کرده بود و به همه ضعف‌ها و کاستی‌های آن روزگار واقف بود و هم عصر انقلاب را کاملاً زیسته و تجربه کرده بود، البته ضلع سومی را هم می‌توان برای منشور فکری او در نظر گرفت و آن این است که او با جهان امروز ما کاملاً آشنا بود. کتاب «توسعه و مبانی تمدن غرب» او، شناخت دقیق‌اش نسبت به تمدن غرب را بازگو می‌کند. شهید آوینی در طول زندگی خود هم در زمینه تمدن غرب و هم در زمینه هنر غرب مطالعه داشت، بخصوص هنر سینما و تئاتر را بخوبی می‌شناخت و از نقاط ضعف و قوت آن آگاه بود. از همان نقاط ضعف و قوت هم بهره می‌گرفت تا بتواند اثر شاخص و درخشانی همچون «روایت فتح» را تولید کند.

از دیگر ویژگی‌های فکری شهید آوینی که از قضا می‌تواند برای امروز ما راهگشا باشد و تصویر روشنی از تفکر انقلابی و اسلامی را روشن کند، پیوندی است که او بین «دین» و «ملیت» برقرار می‌کرد، درست برخلاف کسانی که ملیت را در برابر دین یا دین را در برابر ملیت قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که گویی لازمه دینداری خط کشیدن روی ملیت است، یا لازمه ملی‌گرایی، کنار گذاشتن دین است. اما در اندیشه شهید آوینی، این دو یعنی «ملیت» و «دین» دو بال هویتی ما هستند و پیوسته و توأمان در کنار هم قرار می‌گیرند.

شهید آوینی اما از این هم فراتر می‌رود و معتقد است که ایرانیان دین اسلام را خیلی بهتر از اعراب درک، فهم و حفظ کرده و انتشار داده‌اند. به تعبیر

■ **شنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۱**

■ **سال بیست و هشتم**

■ **شماره ۷۸۸۱**

### نگاه‌ولایی به‌ساحت هنر

منش شهید آوینی در هنر «پذیرش ولایت الهی» بود

دکتر محمدعلی رجبی دوانی

استاد پژوهش هنر دانشگاه شاهد

شهید سیدمرتضی آوینی از جمله شخصیت‌هایی است که در مبادی فکری‌اش به تفکر دینی اصالت داد و پیوسته در نوشته‌های خود به این مهم تذکر می‌داد و معتقد بود که انسان بدون ولایت نمی‌تواند زندگی کند. در ولایت‌های دینی، انسان ولایت خداوند را قبول کرده و خود را به آنچه که آفریدگارش می‌گوید، مقید می‌کند. بی‌تردید، هنر هم یکی از تجلی‌گاه‌های این جنس از تفکر و باورمندی است و نگاه شهید آوینی به هنر و تعریفی که او از هنر ارائه می‌کند در این چهارچوب ولایی و دینی قرار می‌گیرد.

واقعیت این است، هنری که خود را به ولایت‌الله متعهد و متصل می‌داند، به صفاتی متصف می‌شود که آن را از دیگر ولایت‌ها اعم از ولایت‌های شیطانی یا ولایت نفس‌آماره انسانی، متمایز می‌کند. به همین دلیل پیوسته التزام به ولایت‌الله در تمام نوشته‌های شهید آوینی به‌عنوان پایه فکری‌اش مطرح است و موضوعیت دارد.

مادامی که فرد خود را به ولایت‌الله مقید بداند، ارجاع هر چیزی را نهایتاً به یک مبدا نسبت می‌دهد که از قضا، فوق بشری است. شهید آوینی می‌کوشد تا نشان دهد که پذیرش ولایت الهی در هنر چه اثرات و نمودهایی بر جای می‌گذارد.

نگاه ولایی در ساحت هنری، سه خصوصیت اساسی دارد.

نخست آنکه، هنر ولایی متعهد به خلق است، چرا که خلق بشر مهم‌ترین آفریده خداوند است و هر گونه عهدی که هنرمند با معبود دارد در نتیجه، عملش باید به خلق برگردد.

دوم، هنر ولایی و الهی باید مخاطب خود را به طرف «معانی عالی» حرکت دهد. معانی عالی هم به این معنا است که بشر بدانند متعلق به یک عالم بلندمرتبه‌ای است و باید به آنجا برسد. بنابراین، هنر دینی، هنری است که متعهد به‌الله تعالی است و جنبه‌های تعالی انسان را در بر می‌گیرد.



■ **هنر ولایی و الهی باید مخاطب خود را به طرف «معانی عالی» حرکت دهد. معانی عالی هم به این معنا است که بشر بدانند متعلق به یک عالم بلندمرتبه‌ای است و باید به آنجا برسد. بنابراین، هنر دینی، هنری است که متعهد به‌الله تعالی است و جنبه‌های تعالی انسان را در بر می‌گیرد.**

■ **میراث سید شهیدان اهل قلم برای امروز ما «جست‌وجوی حقیقت» است. به همین خاطر میراث‌داران او، پیوسته ما را**

به «حقیقت» و «دفاع از حقیقت» دعوت می‌کنند. این ویژگی باعث می‌شود که انسان صورتی انقلابی به خود بگیرد و از همین رواست که میراث‌داران اندیشه شهید آوینی را می‌توان انسان‌های انقلابی و افرادی با روش و منش انقلابی دانست.

سوم، هنر ولایی و الهی از طرف دیگر باید معضلات بشر را نیز مطرح کند؛ به تعبیری، باید به فکر وضعیتی باشد که بشر در آن بسر می‌برد و باید بشر را از این وضعیت آگاه کند، چرا که هر حرکتی به سمت «وضع موعود» بدون شناخت «وضع موجود» میسر نمی‌شود. بنابراین، هنرهای دینی در تفکر شهید آوینی هنرهایی است که هم مبارز است یعنی از حرمین انسان در مقابل استکبار دفاع می‌کند و هم راه آینده را به او نشان می‌دهد تا بداند راه درست کجا است و انسان باید در کجا قرار گیرد؟ و…

پرسشی که در این فضا مطرح می‌شود این است که نوع تلقی‌ای که شهید آوینی از هنر داشتند چقدر هنوز در فضای فکری و هنری جامعه ما موضوعیت دارد و محل نظر است؟ و چقدر در جامعه امروزمان به این نوع تلقی از هنر نیازمندیم؟ در مقام پاسخ به این پرسش باید گفت نیاز به «هنر دینی» یک نیاز فطری است و همیشه در تاریخ بوده و خواهد بود و امروز اتفاقاً بیش از دور ه‌وای به این جنس از تفکر و این نوع تلقی از هنر نیازمندیم، چراکه بشر امروز به‌دلیل تجربه‌های جدیدی که در دنیای مدرن و پسامدرن از سرگذرانده، بیش از هر دوره تاریخی از فطرت خود دور شده و فاصله گرفته است.

اما در پاسخ به این دغدغه که «چقدر ما به تلقی‌ای که شهید آوینی از هنر دارد، پایبند هستیم؟» باید گفت هنرمندان ما دو دسته‌اند؛ یک دسته اهل معنا بوده و دردمندان به هنر نگاه می‌کنند و دردی را که احساس می‌کنند «درد دوری از حقیقت» است و پیوسته در جست‌وجوی آن هستند؛ همچون خود شهید آوینی. اما برخی دیگر، متأسفانه هنر را از باطن آن جدا کرده و به پوسته ظاهری آن بسنده کرده‌اند. این در حالی است که هنر فرمی، از یک حقیقت و باطن برخوردار است. اما برخی چنین می‌پندارند که همینقدر که فرمی زیبا ایجاد شود، کفایت می‌کند. به همین خاطر اساساً نسبت به «کشف حقیقت» و «درک معانی متعالی» نیازی احساس نمی‌کنند. به همین دلیل هم اغلب، تابع صورت‌های غریبی می‌شوند و به اینکه خود به‌عنوان یک انسان، با چه مسائلی مواجه هستند و بشر امروز، به کجا می‌رود، کاری ندارند. به تعبیری، نه نقشی بر خود دارند و نه نقشی بر جامعه بشری.

میراث سید شهیدان اهل قلم برای امروز ما «جست‌وجوی حقیقت» است هر چند که بدترین شرایط و وضعیت باشد. به همین خاطر میراث‌داران او، پیوسته ما را به «حقیقت» و «دفاع از حقیقت» دعوت می‌کنند. این ویژگی باعث می‌شود که انسان صورتی انقلابی به خود بگیرد و از همین رواست که میراث‌داران اندیشه شهید آوینی را می‌توان انسان‌های انقلابی و افرادی با روش و منش انقلابی دانست. لازمه مبارزه، از خودگذشتگی است. به همین خاطر کسی که می‌خواهد امروز در عالم هنر از تفکر اشخاصی همچون شهید بزرگوار سید مرتضی آوینی بهره بگیرد باید بداند که محرومیت‌ها، مشکلات و بی‌توجهی‌ها است اما باید محکم در راهی که راه حقیقت است، استوار بماند.

<sup>[1]</sup> به اعتبار آثاری که از شهید مرتضی آوینی، سید شهیدان اهل قلم، به یادگار مانده، می‌توان از او با عنوان یک

<sup>[2]</sup> دیگر، آوینی معتقد است که طرح دین توسط ایرانیان صورت گرفته است

<sup>[3]</sup> او ایرانیان را بزرگترین خدمتگزار دین پیامبر اکرم (ص) و فرهنگ قرآنی می‌داند

<sup>[4]</sup> این نگرش، نگاهی روشن، پرداخت، اما ذکر سه نکته درباره ابعاد شخصیتی و سلوک فکری مرتضی آوینی ضروری است